



صدای سرو

پیش شماره‌ی دوم، شنبه بیست و دوم دی‌ماه هزار و سیصد و هشتاد و شش، بها، رایگان

چرخ گوشت مغفول!	گزارش ماهانه‌ی شورایی مرکزی	پیشنهاد	تازه‌های نشر
-----------------	-----------------------------	---------	--------------

<p style="text-align: center;">سر مقاله</p> <p style="text-align: center;">«چرخ گوشت مغفول!»</p> <p>در سفری که اخیراً به یکی از ممالک اجنبی داشتیم، به دلیل نقص فنی در موتور راست اتوپی‌الارض‌مان، مجبور به توقف اضطراری در ارتفاع ۵۰ هزار پایی گردیدیم. ویرژیل شاعر که مرا در این سفر همراهی می‌کرد، برای شناسایی محل مروزی که در آن توقف کرده بودیم، پیشنهاد یک راهپیمایی را داد. وی گمان می‌کرد طی سفری که با دانه‌ی مرحوم داشته، شهری را در همین حوالی مشاهده نموده است. من مخالفت را جایز ندانسته و در معیت‌شان و البته کمی عقب‌تر به دنبال شهر مزبور روانه شدیم. روی نرمه‌ی گوش آسمان قدم برمی‌داشتیم و از پاک‌ی هوا و سکوت مثال زدنی آن مکان مرتفع لذت می‌بردیم. در اندیشه بودم چرا اتوپی‌الارض‌ام را برای معاینه فنی نبرده‌ام که این همه دود نکند و چرا آن مدل جدید و دارای استاندارد یورو ۵ را تهیه نکرده‌ام که خودمان را در آستانه‌ی ورود به شهری دیدم. شهری به غایت تمیز و ساکت پیش رویمان بود که شادی و محبت از سر و رویش هویدا بود. ویرژیل سکوت را شکست و در باره‌ی شهر، با زبان فخیم، شاعرانه، شاملووار و لاتین‌اش، مرا محظوظ نمود. "اگر در انسان‌وارگی و عصمت، اگر در تعقل و حکمت، اگر در عشق و ضیافت خانه‌ای در عالم شهره باشی، این‌جاست. دوست معزز من، این‌جا دستی در پس پرده نمی‌گردد پی‌خجری پیران و عقیده‌ای پایمال نمی‌شود در حین پرواز و جولان. ببین این امید محقق شده را همسفر. ببین که چگونه بی‌باران و تنها با بارش آزادی، چگونه خاکی در آسمان‌ها جان گرفته و بالیده است" در سماعی که از طربناکی کلام پاکیزه‌ی ویرژیل بر جانم افتاده بود، غرق شده بودم که خود را در میدان اصلی شهر یافتم. متفکران همانقدر کار می‌کردند که پیشه‌وران تعقل، احترام و عشق در فضا موج می‌زد و فرشته‌ها بر فراز خانه‌ها پایکوبی</p>	<p>می‌کردند. در این میانه کسی ویرژیل را شناخت و به سمت استاد آمد. دعوتان کرد و شب را نزدشان بودیم. وقت رفتن که مرکب را تعمیر کرده بودیم از استاد پرسیدم: آن چرخ گوشت را برای چه در میدان اصلی گذاشته‌اند؟ استاد در حالی که کمر بندش را می‌بست گفت: در کاوش‌های باستان‌شناسی یک چرخ گوشت پیدا شد. مردم چون نمی‌دانستند به چه کار می‌آید، برایش فلسفه‌ای ساختند. شخصی را در باستان تصور کردند که فکر و عشق و آزادی و انسانیت را با این وسیله بهم آمیخت، ادبیات را آفرید و جاودان شد.</p> <p style="text-align: center;">گزارش ماهانه‌ی شورایی مرکزی</p> <p>از آن‌جا که هدف از تاسیس صدای سرو، شفاف کردن شیشه‌ی بخار گرفته فعالیت‌های خانگی داستان سرو عنوان شده و در این راستا از هیچ تلاشی نمی‌توان فروگذار کرد، لازم دیدیم گزارش عملکرد یک ماهه‌ی اخیر را منتشر کنیم. قبل از آن بهتر است چند نکته را یادآور شویم. شورایی مرکزی رکنی است که مسئولیت نظارت بر فعالیت‌های دبیر را بعهده دارد و هر جا که لازم ببیند می‌تواند از رای و قدرت خویش استفاده کرده و سمت و سوی درست حرکت فعالیت‌ها را مشخص کند. به همین خاطر تاکنون خبری از اعضای شورایی مرکزی به دست‌مان نرسیده و جلسه‌ای تشکیل نشده و هیچ‌کدام از دوستان در جلسات هفتگی هم شرکت نکرده‌اند. این اتفاق دلیلی ندارد مگر اینکه هیچ‌کدام از اعضای شورا، اعتراضی به رویه‌ی کنونی ندارند و ایشان قدرت خود را به دبیر تقویض کرده‌اند. پس لازم است به دبیر محترم تشکر تبریک بگوییم. نکته‌ی دیگر آنکه به خاطر مشکلات عدیده‌ی مالی، نتوانستیم کسی را به خانه دعوت کنیم. کسی راه نداریم تا اسپانسرمان باشد و کمی کمک مالی به خانه تزریق کند تا کلاس‌های آموزشی دوباره برقرار شوند و پای نویسندگان بزرگ دوباره به خانه باز شود. باز هم می‌گوییم که فوتبال چیز بدی نیست. چون با اینکه فوتبال‌بست‌ها سواد درست</p>	<p>و حسابی ندارند، در عوض اسپانسر دارند. در پایان در این مدت، داستان‌های "دوباره از همان خیابان‌ها" نوشته بیژن نجدی، "همچون یک کارت پستال" از بیژن بیجاری، "سکوت" از گیتا گرکانی، "دل‌ام سنگین، زبان‌ام تلخ" از حسین سنابور، "زندانی باغان" از هوشنگ گلشیری و "لارک" از عباس عیدی را به نقد نهشته‌ایم.</p> <p style="text-align: center;">«پیشنهاد»</p> <p>پیشنهاد این ماه، رمان "سالمرگی" نوشته‌ی اصغر الهی است که مورد توجه بسیاری از منتقدان قرار گرفته و برنده‌ی بهترین رمان سال از جانب بنیاد گلشیری شده است. الهی همچون "ساعدی" روانی‌شک است و تأثیر روانی‌شک بودنش در "سالمرگی" به خوبی مشهود است. او با روایت‌های تودرتو به اعماق ذهن شخصیت‌های رمان خود نفوذ کرده و سندی از شکست‌ها و ناکامی‌های یک نسل ارائه می‌دهد. همین خصلت روایی است که بیش از هر چیز توجه منتقدان را به "سالمرگی" جلب کرد. "سالمرگی" رمانی است که هر چند ظاهراً سال‌ها پیش نوشته شده ولی در سال ۸۵ برای نخستین بار منتشر شد. این رمان نامزد جایزه "مهرگان" و "نویسندگان و منتقدان مطبوعات" هم بود و اکنون نام آن در فهرست جایزه‌ی کتاب سال هم به چشم می‌خورد که این‌ها همه نشان از اتفاق نظر منتقدانی با رویکردها و سلیقه‌های گوناگون در مورد این رمان دارد.</p> <p style="text-align: center;">«تازه‌های نشر»</p> <p>چهره‌ی پنهان عشق. سیامک گلشیری. نشر مروارید. آبای باغ سیب. احمد بیگدلی. نشر آگه. ماهی بزرگ. دانیل بالاس. احسان نوروزی. نشر مرکز. معمای زندانی. ویلیام پاندستون. عباسعلی کتیرایی. نشر مازیار. آدم پدشاس. آلبرتو مورویا. مژگان مهرگان. نشر خورشید.</p>
---	--	--

تازه‌های نشر	کنکور و باقی قضایا!	وبلاگ و باقی قضایا!	مجلس شبیه در ذکر مصائب دبیر!
--------------	---------------------	---------------------	------------------------------

<p style="text-align: center;">«ما دبیرها!»</p> <p style="text-align: center;">حسن خراسانی</p> <p>وقتی به خودم، به کوفی عنان و هر تازه دبیری نگاه می‌کنم، می‌بینم ما دبیرها چقدر بدبختیم. تازه شرایط من از کوفی عنان هم بدتر است. فکر می‌کنم اگر بلاهایی که بر سر من آمده است، بر سر او می‌آمد، او چه می‌کرد؟ اینکه مثلاً برود سازمان ملل و ببیند هیچکس نیامده است. علیرغم اینکه می‌داند هیچکس نمی‌آید، باز هم باید برود تا کسی شت در نماند، چراکه ممکن است کشوری در حال عبور، هوس کند از دستشویی سازمان ملل استفاده کند و همینطوری الکی سرک بکشد توی مجمع و ببیند که... این کوفی کدام گوری رفته؟! بعد فکرش را بکن کوفی عنان باید هم‌همی کارهای شورایی امنیت را انجام دهد، قطعنامه‌ها را ببرد تایپ کند و کپی بگیرد، به نفنق آمریکا و توجیهات صدام گوش کند و آن قدر بالا و پایین کند که همه چیز جفت و جور شود. قرار باشد برنامه‌ی هر هفته را تنهایی تنظیم کند و بزند توی برد سازمان ملل. با هر بدبختی‌ای شده جلسهی مجمع را با چند کشور گوگولی آفریقایی برگزار کند و مواظب باشد وتو کردن‌های آمریکا شر نشود. تازه آخر الامر ببیند که بیشتر به نیروی تدارکات شبیه است تا دبیر. دادگاه لاهه برای خودش حکم می‌دهد، نوبل صلح را به ال‌گور می‌دهند و هر چه می‌گوید از طرف یک کشوری وتو می‌شود. نه، کوفی عنان هم به اندازه‌ی من بدبختی ندارد. حتی دبیر آموزش دفاعی مدرسه‌ی راهنمایی، حتی دبیر خانگی داستان سرو!</p> <p>تکمله. در هنگام تنظیم این ناله‌های پواش، صدام هنوز زنده بود که توجیه کند و کوفی‌جان کاسه‌ی صبرش سر نیامده بود و تازه ال‌گور هم صلح نوبل نگرفته بود، اما دبیر این قصه، حس کرد دارد بلایی سرش می‌آید و از بداقبالی، حتی یک تراشه چوب هم گیرش نیامد که به نیابت از تخته، مراسم دفع شر را بجای بیاورد.</p>	<p style="text-align: center;">«وبلاگ و باقی قضایا»</p> <p style="text-align: center;">سید مهدی موسوی‌نژاد</p> <p>قرار بود مطلب این قسمت توسط آقای موسوی‌نژاد تهیه شود و برای چاپ به صدای سرو سپرده شود که آقای موسوی به دلیل مشغله نتوانستند مطلب را تهیه کنند. به هر روی به این دلیل که مطلب دیگری آماده نشده بود، این ستون خالی مانده است. لازم است از زحمات ایشان برای وبلاگ خانگی داستان سرو تشکر ویژه به‌عمل بیاوریم و مطالب ایشان را در شماره‌های بعدی ببینیم. وبلاگ خانگی داستان را می‌توانید در آدرس زیر بیابید.</p> <p style="text-align: center;">www.sarvstory.blogfa.com</p>	<p style="text-align: center;">«کنکور و باقی قضایا»</p> <p style="text-align: center;">جعفر مرتضوی</p> <p>قرار بود مطلب این قسمت توسط آقای مرتضوی تهیه شود و برای چاپ به صدای سرو سپرده شود که آقای مرتضوی به دلیل مشغله نتوانستند مطلب را تهیه کنند. به هر روی امیدواریم ایشان نتیجه‌ی دلخواهشان را در کنکور بگیرند و فرصت همکاری بیشتر با صدای سرو را پیدا کنند.</p>
<p style="text-align: center;">«تازه‌های نشر»</p> <p>رمان موسم آشفستگی. شهریار عباسی. نشر افراز. مجموعه داستان تردید. آزاده عالم فلکی. نشر افراز. رمان قتل در کمیته‌ی مرکزی. مانوئل بانکت مونتالبان. کاوه میرعباسی. نشر نیلوفر.</p>		

	معرفی مجلات ادبی	حرف آخر!
--	-------------------------	-----------------

برندگان جایزه‌ی گلشیری

«معرفی مجلات ادبی کشور»

حسین ورجانی

این گزارش که در چند بخش و شماره به شماره منتشر می‌شود، در نظر دارد با معرفی مجلات فعال ادبی کشور، بستر همکاری و آشنایی با این نشریات را فراهم آورد.

۱. **ماهنامه‌ی نافه**. با گرایش ادبی- فرهنگی و هنری. صاحب امتیاز، مدیر مسئول و سردبیر، دکتر ناهید توسلی. دبیر بخش ادب، رمان و نقد، فتح الله بی‌نیاز. آدرس پستی، تهران صندوق پستی ۱۱۶-۱۶۶۱۵. تلفن، ۰۹۱۲۳۹۰۵۱۹۳. تلفکس، ۰۲۲۵۵۰۸۶۶. آخرین شماره، مردادماه ۱۳۸۶. قیمت، ۱۵۰۰ تومان.

۲. **دوماهنامه‌ی شوکران**. با گرایش ادبی- هنری. صاحب امتیاز، مدیر مسئول و سردبیر، پونه ندایی. آدرس پستی، تهران، صندوق پستی ۳۴۹۶-۱۶۷۶۵. تلفکس، ۰۲۱-۷۷۸۹۲۹۵۲. آخرین شماره، شهریور ماه ۱۳۸۶. قیمت، ۱۰۰۰ تومان.

۳. **ماهنامه‌ی هفت**. با گرایش فرهنگی، هنری، داستان، شعر، سینما، تئاتر و موسیقی. صاحب امتیاز و مدیر مسئول، احمد طالبی‌نژاد. سردبیر، مجید اسلامی. آدرس پستی، تهران، صندوق پستی ۴۵۸۱-۱۵۸۷۵. تلفکس، ۰۲۱-۸۸۵۳۶۲۴۰. آخرین شماره، آذرماه ۱۳۸۶. قیمت، ۱۵۰۰ تومان.

۴. **ماهنامه‌ی نوشتا**. با گرایش ادبی- هنری، داستان، شعر، نقد داستان، مقالات ادبی. به سه زبان فارسی، انگلیسی و فرانسه. مدیر مسئول، حسین واحدی‌پور. سردبیر، محمد حسین مدل. دبیر بخش داستان، حسین آتش‌پرور. آدرس، تهران، یوسف‌آباد. خیابان دوم، شماره ۳۴. تلفن، ۰۲۱-۸۸۹۵۷۱۳۴. آخرین شماره، آذرماه ۱۳۸۶. قیمت، ۲۰۰۰ تومان.

۵. **ماهنامه‌ی شهر هشتم**. با گرایش فرهنگی اجتماعی. صاحب امتیاز و مدیر مسئول، افسر مومندی. سردبیر، رضا عبدی. آدرس پستی، تهران، صندوق پستی ۱۵۴-۱۳۱۴۵. تلفن، ۰۲۱-۸۸۴۵۳۷۳۸. آخرین شماره، مردادماه ۱۳۸۶. قیمت، ۱۰۰۰ تومان.

۶. **فصلنامه‌ی خوانش**. با گرایش ادبی- داستانی. صاحب امتیاز و مدیر مسئول، بهناز صالحی. سردبیران، رضا زنگی‌آبادی و مازیار نیستانی. آدرس پستی، کرمان، صندوق پستی ۶۳۳-۷۶۱۳۵. تلفن، ۰۲۲۳۸۰۸۳. آخرین شماره، پاییز ۱۳۸۶. قیمت، ۲۰۰۰ تومان.

۷. **فصلنامه‌ی زنده‌رود**. با گرایش ادب، فرهنگ و تاریخ. صاحب امتیاز و مدیر مسئول، حسام‌الدین نبوی نژاد. آدرس،

اصفهان، صندوق پستی ۴۶۸-۸۱۶۴۵. تلفکس، ۰۳۱۱-۶۲۴۹۲۴۱. آخرین شماره، بهار ۱۳۸۶. قیمت، ۲۲۰۰ تومان.

۸. **فصلنامه‌ی مهرآه**. با گرایش فرهنگی و هنری، داستان، شعر، نقد داستان و مقالات تئوریک ادبی. صاحب امتیاز و مدیر مسئول، محمد امامی. سردبیر، علی‌رضا تولایی. آدرس پستی، اصفهان، صندوق پستی ۱۴۱۸-۸۱۶۵۵. تلفن، ۰۳۱۱-۲۳۵۳۱۶۱. آخرین شماره، زمستان ۱۳۸۶. قیمت، ۲۵۰۰ تومان.

۹. **فصلنامه‌ی پردیس**. با گرایش زبان و ادبیات. صاحب امتیاز و مدیر مسئول، غلامحسین مردانیان. سردبیر، محمود نیکبخت. آدرس پستی، اصفهان، صندوق پستی ۱۶۶۴-۸۱۶۵۵. آخرین شماره، تابستان ۱۳۸۶. قیمت، ۳۵۰۰ تومان.

۱۰. **دوماهنامه‌ی هنر پارسی**. با گرایش ادبیات، سینما، هنرهای تجسمی و موسیقی. به زبان‌های فارسی و انگلیسی. صاحب امتیاز و مدیر مسئول، سوسن سلطانی. سردبیر، زاون قوکاسیان. آدرس پستی، اصفهان، صندوق پستی ۹۸۸-۸۱۶۵۵. تلفن، ۰۲۲۰۹۰۹۳. آخرین شماره، دی‌ماه ۱۳۸۵. قیمت، ۲۰۰۰ تومان.

۱۱. **ماهنامه‌ی عصر پنجشنبه**. با گرایش ادبی- هنری، داستان، شعر، نقد داستان و مقالات تئوریک ادبی. صاحب امتیاز و مدیر مسئول، محمد عسلی. سردبیر، محمد کشاورز. آدرس پستی، شیراز، صندوق پستی ۶۸۳-۷۱۳۶۵. تلفن، ۰۷۱۱-۲۳۰۹۲۹۰. آخرین شماره، مهرماه ۱۳۸۶. قیمت، ۱۰۰۰ تومان.

۱۲. **فصلنامه‌ی اشراق**. با گرایش ادبی- هنری- فرهنگی، داستان، شعر، نقد داستان و بررسی آثار یک نویسنده. صاحب امتیاز، ارشاد زنگان. سردبیر، مهدی جلیل‌خانی. آدرس، زنجان، خیابان شیخ فضل الله نوری، فرهنگسرای امام خمینی. انجمن ادبی اشراق. تلفن، ۰۲۴۱-۴۲۴۳۰۶۱. آخرین شماره، زمستان ۱۳۸۵.

«شما برنده شدید!»

هفتمین دوره‌ی جایزه‌ی ادبی بنیاد گلشیری سی‌ام آذر ماه، در حالی که کار خود پایان داد که با انتقادهای گسترده‌ای در پایان دوره‌ی قبل و در آغاز این دوره مواجه بود. انتقادهایی از جنس تلافی‌های آشنایی منتقدان برای بی‌حرف و حدیث‌تر شدن این اتفاق مهم ادبی. به هر روی، با تمام حواشی و مشکلات، این اتفاق مهم ادبی با حضور بزرگانی همچون محمود دولت‌آبادی، سیمین بهبهانی، بهمن فرمان‌آرا، جمال میرصادقی، سیدعلی صالحی، مژده

دقیقی، بابک احمدی و بهمن شعلور، برگزار گردید و برگزیدگان هر بخش جوایز خود را دریافت کردند. اسامی برندگان هفتمین جایزه‌ی ادبی بنیاد گلشیری به شرح زیر اعلام شده است:

۱. در بخش **بهترین رمان اول**، رمان "عقرب روی پله‌های راه‌آهن اندیمشک"، منتخب هیئت داوران معرفی شد و **حسین مرتضاییان** **آبکنار*** جایزه‌ی خود را دریافت کرد.

۲. در بخش **بهترین مجموعه داستان اول**، جایزه‌ی هیئت داوران به مجموعه داستان "زندگی مطابق خواسته‌ی تو پیش می‌رود" نوشته‌ی **امیر حسین خورشیدفر**، تعلق گرفت.

۳. در بخش **بهترین رمان**، رمان "سالمرگی" نوشته‌ی **اصغر الهی**، به عنوان منتخب این قسمت معرفی شد و الهی جایزه‌ی خود را دریافت کرد.

۴. در بخش **بهترین مجموعه داستان**، **محمد آصف سلطان‌زاده**، جایزه‌ی هیئت داوران را به خود اختصاص داد.

لازم به ذکر است حسین مرتضاییان آبکنار و محمد آصف سلطان‌زاده از شاگردان مرحوم هوشنگ گلشیری به شمار می‌روند.

* **حسین مرتضاییان آبکنار**، آبان‌ماه امسال، برای نقد و بررسی رمان عقرب روی پله‌های راه‌آهن اندیمشک، به خانگی داستان سرو دعوت شد. پس از اینکه کار تبلیغات خانه برای این جلسه به پایان رسید، آقای آبکنار طی آخرین تماس تلفنی که برای هماهنگی با ایشان برقرار شده بود، شماره‌ی حساب بانکی‌شان را ارائه کردند و خواستار ۲۰۰ هزار تومان وجه رایج ملکیتی شدند که از عهده‌ی خانگی داستان سرو خارج بود و دعوت از ایشان پس گرفته شد.

«حرف آخر!»

از تمام دوستان و نویسندگان درخواست می‌کنیم برای هرچه بهتر شدن این خبرنامه کمک‌هایشان، اعم از نوشتن مطلب، کمک مالی، داستان‌های مینی‌مالیستی، طنزنامه، انتقادهای سازنده و هرچه که کرمشان است، را دریغ نکنند. در پایان لازم است عنوان کنیم که برای ژورنالیستی شدن هرچه بیشتر صدای سرو و پر شدن صفحات، مجبور شدیم نیم‌نگاهی هم به رویه‌ی مجلات زرد داشته باشیم و نشر اکاذیب کنیم. الان خیلی پشیمانیم و ناراحت، ولی پشیمانی را سودی نیست که خبرنامه به کام بی‌رحم ما‌تسین کپی کشیده شده است و دست‌مان از هم‌جا کوتاه است. عذر تقصیر بپذیرید و ملاقات‌مان بپذیرید. آدرس، لنگرود، روزهای چهارشنبه. سیگار و کتاب فراموش نشود.